آیا دوره نفت ارزان به سر آمده است

به اعتقاد برخی تحلیلگران قیمت 70 دلار برای هربشکه نفت،ارزان است‏ آیا دوره نفت ارزان به سر آمده است؟

در خلاب چند سال گذشته قیمت نفت با وجود نوسانات مقطعی،همواره سیر صعودی داشته است.از سال 2002 کشورهای عضو اوپک در مجموع 5/4 میلیون‏ بشکه بر تولید نفت‏شان افزودند تا بتوانند ثبات را به بازار جهانی بازگردانند،ولی با وجود تمامی این کوشش‏ها، قیمت نفت همچنان سیر صعودی دارد.

افزایش قیمت نفت

زمان که قیمت هربشکه نفت بالغ بر 50 دلار گششت، بسیاری از تحلیلگران،کاهش رشد اقتصاد جهانی،افزایش‏ سطح بیکاری،رکود و حتی تورم لجام گسیخته را پیش‏بینی‏ کردند.با وجود وحشت فراوان این تحلیلگران،هیچ‏گاه‏ این پیش‏بینی‏ها رنگ تحقق به خود نگرفت.اقتصاد جهانی‏ به روال خود ادامه داد؛چندان که گویی از هرآسیب ایمن‏ است و افزایش قیمت نفت هیچ تاثیری بر آن ندارد.حتی‏ اقتصادهای شکننده کشورهای در حال توسعه هم از پیامدهای افزایش قیمت نفت آسیب ندیدند.

هنگامی که قیمت از 70 دلار در هربشکه نیز فراتر رفت و اقتصاددانان در آیینه رشد اقتصاد جهانی،رکود شدید و پیامدهای ناگواری را بر تمام کشورهای‏ توسعه‏یافته پیش‏بینی کردند،اما باز هم تقاضا برای‏ نفت همچنان افزایش یافت.انتظار می‏رود رشد اقتصاد جهانی در سال 2006 از سطح پیش‏بینی شده‏ تجاوز نماید.

اکنون نه تنها بسیاری از تحلیلگران عقیده دارند که قیمت نفت در کوتاه مدت همچنان بالا خواهد بود،بلکه به نوعی دیگر ابراز می‏کنند که قیمت 70 دلار برای هربشکه ارزان است.آنها عقیده دارند قیمت نفت حتی به 100 دلار هم خواهد رسید،البته‏ بر این باور نیز هستند که حتی 100 دلار قیمت ارزانی‏ است و اقتصاد جهانی می‏تواند خود را با شرایط جدید وفق دهد.

به راستی چه‏چیزی قیمت نفت را در سطحی بالا نگه می‏دارد؟پاسنخ به این سئوال را می‏توان در تقاضای فراوان جهان برای نفت جست و جو کرد. ما می‏توانیم شواهدی بر این تقاضای فزاینده را در کشورهای چین،هند و ایالات متحده مشاهده‏ کنیم.در این میان همچنین عواملی چون نبود قابلیت‏ پالایش منابع جدید،بی‏ثباتی و سفته‏بازی در بازار و حوادث طبیعی نیز از اهمیت بالایی برخوردارند. هم‏اکنون و در میان عوامل موجود،مسائل جغرافیایی‏ اهمیت ویژه‏ای دارند؛زیرا بی‏ثباتی و اختلال در عرضه‏ را در پی دارند.

نگرانی‏های عمده‏ای نیز در خصوص عدم موازنه‏ عرضه و تقاضا وجود دارد.برخی تحلیلگران به طور کلی درباره توانایی کشورهای تولیدکننده نفت،به ویژه‏ کشورهای عضو اوپک در تامین نفت مورد نیاز بزرگترین‏ اقتصادهای جهان و آن دسته از کشورها که از سریع‏ترین‏ میزان رشد اقتصادی برخوردارند-همانند کشورهای‏ عضو همکاری‏های اقتصاد و توسعه،چین،هند و ایالات‏ متحده-ابراز تردید می‏کنند.

سقف تولید نفت

سئوال پیرامون سقف تولید نفت اسباب نگرانی برخی‏ از اشخاص،بعضی از کشورها همین طور پاره‏ای‏ سازمان‏ها را فراهم آورده است.علی رغم این که برخی‏ از بابت پیش‏بینی هوبرت\*از سقف نفت که در دهه 1970 مطرح شد،ابراز ناخشنودی می‏کنند،ولی در پایان قرن‏ گذشته ثابت شد پیش‏بینی‏های وی صحیح بوده است.

 برخی از متخصصان بدبین امور نفت عقیده دارند ما اکنون سقف تولید نفت پیش‏بینی شده را پشت‏سر نهاده‏ایم یا این که اکنون در حال مصرف آن هستیم.ولی‏ برخی دیگر اعتقاد دارند زودتر از سال 2010 ما به این‏ سطح نخواهیم رسید.برخی از خوش‏بینان فضای حیاتی‏ بیشتری را برای ما ترسیم می‏کنند.آنها می‏گویند تا سال‏ 2020 و شاید تا سال 2030 نفت کافی در اختیار خواهیم‏ داشت،گرچه آنان نیز توافق دارند روزی که نفت به پایان‏ برسد،چندان دور نیست،و این امر در دهه آینده یا اندک‏ زمانی دیگر حادث خواهد شد.به هرحال اقتصاد مبتنی‏ بر نفت فرصت چندانی در پیش نخواهد داشت.

عرضه و تقاضا

افزایش قیمت نفت به طور نزدیکی با عدم توازن در عرضه و تقاضای تولید نفت بستگی دارد.افزایش تولید نفت صورت گرفته،ولی کمبود ظرفیت‏ها در پالایشگاه‏های کنونی دنیا جوابگوی نیازهای فزاینده در زمینه پالایش نفت نیست.

بی‏ثباتی‏ها،مخاطرات و نیاز به سرمایه‏گذاری در امر گسترش پالایشگاه‏ها رو به افزایش‏اند.کشورهای‏ تولید کننده نفت تمام تلاش خود را به کار بسته‏اند تا عدم توازن بازار نفت را جبران کنند.بارش در استخراج و بهره‏برداری از منابع نفتی جدید،بهبود شرایط استخراج از چاه‏های نفت کنونی،متوسل‏ شدن به منابع نفتی غیرمعمول از قبیل نفت سنگین، بیتیومن‏1(قیر طبیعی)،ماسه‏های آغشته به قیر2 می‏توانند از افزایش قیمت نفت در کوتاه مدت‏ جلوگیری کنند،اما در بلند مدت این تدابیر قادر نخواهند بود در برابر سیر فزاینده تقاضای بازارهای‏ جهان نفت موثر واقع شوند و قیمت نفت همچنان‏ سیر صعودی خواهد داشت.

آینده قیمت‏های نفت

برخی تحلیلگران بر این باورند که رکود در اقتصادهای‏ بزرگی که استفاده‏کنندگان عمده نفت هستند می‏تواند مانع افزایش قیمت نفت شود.با توجه به چنین نظری باید دید چگونه می‏توان نکات زیر را نتیجه‏گیری کرد:

نخست،این نکته شبیه پیشنهاد 20 یا 30 دلار برای هربشکه نفت که در گذشته مطرح شده است.

دوم،اگر عدم توازن کنونی در عرضه تقاضا-هم‏ برای نفت خام و هم برای محصولات نفتی پالایش‏ شده-تداوم باید که هم‏اکنون دلیلی برای آن به نظر نمی‏رسد،می‏توان بازگشت به سطوح 40 تا 50 دلار را محتمل دانست.گرچه برخی موافق و امیدووارند که سطح‏ قیمت‏ها به 40 تا 50 دلار در بشکه بازگردد،ولی باید گفت به طور کلی اساس صنعت نفت بر تغییر و تحول‏ و بی‏ثباتی پایه‏ریزی شده است.

سوم،اگر قیمت نفت در هربشکه از 70 دلار هم فراتر رود،احتمالا اقصاد جهانی به رشد خود ادامه خواهد داد،همچنان که این امر در سال‏های 2004 و 2005 هم‏ روی داد.این میزان حتی ممکن است سبب شود تقاضا برای نفت باز هم به طور نسبی افزایش یابد.

اگر از تنش‏ها در برخی مناطق جهان،از جمله‏ خاورمیانه،کاسته نشود یا این که عرضه نفت دچار اختلال شود،شکاف قابل توجهی میان عرضه و تقاضا ایجاد خواهد شد و تئوری هوبرت بار دیگر در اذهان‏ زنده می‏شود.هم‏اکنون،تنش‏ها سیر صعودی دارند؛به‏ ویژه برخی از مناطق تولیدکننده نفت تحت تاثیر درگیری‏ها قرار گرفته‏اند.گرچه اکنون نرخ رشد اقتصاد جهانی قابل ملاحظه است،اما این دو عاملی سبب این باور خواهد شد که دوره نفت ارزان به پایان رسیده است.

بر اساس نتایج پیشین برخی بدبینانه استدلال می‏کنند دوره نفت ارزان به اتمام رسیده،اما شماری دیگر نیز چشم‏انداز روشنی را ترسیم می‏کنند.این که می‏گویند "فرصت‏ها رو به افزایش است‏"سیر صعودی قیمت‏های‏ نفت سبب می‏شود شرکت‏های بزرگ نفتی بین المللی‏ دامنه اکتشافات و تولیدشان را توسعه دهند و در نتیجه، برنامه‏های اکتشافات و تولید در کانون توجهات قرار گیرد.

قیمت‏های بالای نفت سبب می‏شود پای گاز طبیعی‏ از شکل گاز طبیعی مایع‏3 LNG از مناطقی که ذخایر گازی‏ سرشاری در اختیار دارند،به سوی بازارهای مصرف‏ انرژی باز شود.گاز طبیعی می‏تواند بخش حمل و نقل را پوشش دهد.در سناریوی قیمت‏های بالای نفت، "تکنولوژی زغال سنگ پاکیزه‏"4 نیز می‏تواند بسیار رقابتی‏ باشد،به ویژه اگر به مدد فناوری‏های نوین بتوان‏ زغال سنگ را به سوخت مایع تبدیل کرد و در بخش‏ حمل و نقل از آن بهره‏برداری نمود.

از دیگر جنبه‏های مثبت قیمت بالای نفت می‏توان به‏ استفاده از سایر منابع نفت خام اشاره کرد که تاکنون‏ استفاده از آنها مرسوم نبوده است،مانند ماسه آغشته به‏ قیر که در کانادا از آن استفاده می‏شود یا قیر طبیعی‏5که در ونزوئلا مورد بهره‏برداری قرار می‏گیرد،یا نفت‏6 shale در آینده انزژی هسته‏ای به‏ عنوان یک منبع انرژی‏ جایگزین نه تنها مقرون به‏ صرفه خواهد بود،بلکه در کنار آن موضوعات‏ زیست محیطی،اجتماعی و سیاسی نیز مطرح خواهد شد

که استفاده از آن در آمریکا رایج شده است.

افزایش قیمت نفت سبب شده است در کانادا از ماسه‏های آغشته به قیر،نفت مصنوعی تولید کنند که‏ استفاده از آن طی سال‏های گذشته به طور چشمگیری‏ افزایش یافته است به طوری که تقریبا نیمی از نفت خام‏ مورد نیاز کانادا یا حدودا یک میلیون بشکه در روز از این‏ طریق تامین می‏شود.پیش‏بینی می‏شود تا سال 2020 از سه شیوه یاد شده برای تولید نفت استفاده فراوانی شود.

البته کانادا راه با دشواری‏های بالقوه‏ای رو به رو است که باید بر آنها چیره شود،مثلا لازم است‏ سرمایه‏گذاری‏های گسترده‏ای صورت گیرد ولی‏ نگرانی‏هایی نیز در مورد انتشار گاز CO2 و آلودگی‏های‏ زیست محیطی وجود دارد.ونزوئلا و ایالات متحده نیز در زمینه استفاده از قیر طبیعی و نفت سنگین با مشکلاتی‏ رو به رویند.در مجموع باید گفت اگر قیمت‏های نفت‏ افزایش یابد.این منابع بسیار جذاب خواهند شد.

کانادایی‏ها پیش‏بینی کرده‏اند منابع قیر طبیعی آنها حدود 175 میلیارد بشکه باشد که با استفاده از تکنولوژی‏های کنونی قابل بهره‏برداری است.این امر کانادا را بعد از عربستان صعودی به عنوان دارنده‏ بزرگترین منابع تثبیت شده نفت جهان معرفی می‏کند. البته باید به این آمارها با تردید نگریست!

انرژی تجدیدشونده و هسته‏ای

قیمت‏های بالای نفت در سال‏های اخیر سبب شده‏ است منابع انرژی‏های تجدیدشونده‏ای چون انرژی‏ خورشیدی،باد،زمین گرمایی و...به طور جدی مورد توجه قرار گیرد و پیشرفت‏های چشمگیری در استفاده‏ از آنها حاصل شود.توزیع مناسب انرژی‏های‏ تجدیدشونده در سر تا سر دنیا می‏تواند به طرز چشمگیری تاثیر نامطلوب عدم توازن در عرضه و تقاضای نفت را جبران کند.

در سال‏های اخیر کشورهای توسعه یافته‏ سرمایه‏گذاری‏های گسترده‏ای در زمینه مهار انرژی‏های‏ تجدیدشونده انجام داده‏اند.آنها باید به کشورهای در حال‏ توسعه کمک کنند-هم از لحاظ تکنولوژیکی و هم از لحاظ مالی-تا آنها هم بتوانند این مواهب طبیعی را مهار کرده و از آنها بهره ببرند و از اتلاف منابع انرژی بپرهیزند.اکنون‏ بسیاری از تحلیلگران انزژی،به شیوه‏های ذخیره‏سازی‏ این انزژی‏ها نیز توجه خاصی نموده‏اند.

قیمت‏های بالای نفت بار دیگر موضوع بهره‏گیری از انرژی هسته‏ای را به چالش کشیده است.به طور یقین‏ انرژی هسته‏ای از پایان دوره نفت ارزان سود بسیاری‏ برده است.در آینده انرژی هسته‏ای به عنوان یک منبع‏ انرژی جایگزین برای تولید برق و نیروی گرمایشی نه‏ تنها مقرون به صرفه خواهد بود،بلکه درکنار آن‏ موضوعات زیست محیطی،اجتماعی و سیاسی نیز مطرح خواهد شد.گرچه انزژی هسته‏ای می‏تواند نقش‏ مهمی به عنوان منبع انرژی و تولید گرما ایفا نماید،ولی‏ به عنوان یک مبحث مناقشه‏آمیز در محافل سیاسی مطرح‏ است.علاوه بر این،هم‏اکنون استفاده از انرژی هسته‏ای‏ برای همه کشورهای جهان مقدور نیست.

مترجم:سهیل ایلداری-محقق روابط عمومی بانک مرکزی

ماخذ: OPEC bulletin-Nov/Dec 2006

(\*)ماریون کینگ هوبرت:

زمین‏شناس معروف آمریکایی که تئوری Hubbert Peak Theory را در خصوص سقف تولید نفت دنیا ارائه کرده است.او عقیده داشت‏ تولید نفت در جهان از یک منحنی به شکل زنگ تبعیت می‏کند.او متدهایی را برای درک ذخایر نفت و میزان تولیدآن رائه کرد.هوبرت‏ پیش‏بینی کرده بود در سال 1970 ذخایر نفت دنیا به اتمام می‏رسد. گرچه این پیش‏بینی تحقق نیافت ولی زنگ خطر ا برای صاحبان‏ صنایع که به انرژی ارزان نفت وابسته بودند؛به صدا درآورد.

تئوری وی مورد انتقاد بسیاری از کارشناسان صنعت نفت قرار گرفت‏ ولی شرکت‏های بزرگ نفتی به طور مرتب از متدهای هوبرت در پیش‏بینی منابع نفتی و بهره‏برداری از آن استفاده می‏کنند.

پی‏نوشت‏ها:

(1)- Bituman ترکیبی از مایعات ارگانیک،بسیار چسبنده،سیاه رنگ و چسبناک که شبیه نفت خام است.

(2)- Tar sand ترکیبی از خاک رس،ماسه،آب و بیتیومن،نه نفت است‏ و نه ماسه بلکه ماده‏ای نیمه جامد است که در لایه‏های زیرین زمین، پایین‏تر از نفت قرار می‏گیرد.در وضعیت‏های عادی از طریق چاه‏ها جاری نمی‏شود و این امر استخراج آن در دشوار می‏کند.

(3)- Liquefied Natural Gas(LNG

(4)- Clean Coal Technology

(5)- Bitumen

(6)- Shale Oil به طور عام به صخره‏های غنی از مواد ارگانیکی اطلاق‏ می‏گردد که Kerogen نامیده می‏شوند و از تقطیر آنها بر اساس یکسری‏ فرآیندهای شمیایی نفت خام به دست می‏آید.این ماده در حرارتی‏ معادل 500 درجه سانتیگراد در خلاء به نفت تبدیل می‏شود،ولی نفت‏ مرغوبی نیست.